

□ فهرست واژگان دشوار متن

امواج مافوق صوت : امواج فوق صوت ؛ امواجی که فرکانس آنها بالاتر از ۲۰,۰۰۰ هرتس است و شنیده نمی‌شود.

امیرالأمرا : امیرامیران، فرمانده کل سپاه

اوراد : وردها، دعاها

ایار : از ماه‌های رومی که برابر ماه سوم بهار است.

بادی : آغاز، دراصل اسم فاعل از «بدء» به معنی شروع کننده.

بارگی : اسب، «باره» نیز به همین معنی است.

باشدکه : به آن امید که

بحبوحه : میان، وسط

بدسگال : بداندیش، بدخواه، صفت فاعلی مرکب

مرحّم، جانشین اسم

برهمن : پیشوای روحانی آیین برهمنی

بسمل کردن : سر جانور را بریدن ؛ از آن جا که

مسلمانان در وقت ذبح جانور «بسم الله الرحمن

الرحیم» می‌گویند، به همین دلیل، به عمل ذبح

«بسمل کردن» گفته می‌شود.

بقولات : جمع بقول و آن جمع بقل است به معنی

سبزی و تره بار.

بلا معارض : بی‌رقیب

بَلَعْتُ : آن را فرو بردم. «صیغه ی بلعت» چیزی را

خوراندن، آن را به حلق فروبردن، آن را خلاف

حق تصرف کردن و بالا کشیدن.

بَنان : انگشت

بهره : حق مالک، قسمت صاحب زمین

آزگار : زمانی دراز، به‌طور مداوم، تمام و کامل
آذآر : ماه اوّل بهار، از ماه‌های رومی است.

ابدال : جمع بدل یا بدل و بدیل به معنی اولیاءالله :

مردان خدا، نیک‌مردان

آبرش : اسبی که بر اعضای او نقطه‌ها باشد ؛ دراین جا

مطلق اسب منظور است.

إدبار : پشت کردن، بدبختی

ادعیه : دعاها

آذکار : ذکرها، وردها

ارتجالاً : بدون اندیشه سخن گفتن یا شعر سرودن،

بی‌درنگ

استرحام : رحم خواستن، طلب رحم کردن.

استشاره : رای زدن، مشورت کردن.

استیصال : ناچاری، درماندگی

اسلیمی : مُمال اسلامی ؛ از طرح‌های هنری، مرکب

از بیج و خم‌های متعدّد

اشباح : جمع شبح، کالدها، سایه‌ها، سیاهی‌هایی که

از دور دیده شود.

اشتلم : لاف‌زدن.

اصبحت امیراً و امسیت اسیراً : بامداد امیر بودم

و شبانگاه اسیر.

اعاظم : بزرگان، بزرگ‌تران

افگار : آزوده، زخمی، خسته، مجروح

اقبال : روی آوردن، خوشبختی

الماس پیکان : تیری که نوک آن سخت برنده و

درخشان و جلا داده باشد.

پار : سال گذشته

پتیاره: مهیب، زشت

پرت و پلا : بیهوده، بی معنی. به این نوع ترکیب‌ها که در آن‌ها لفظ دوم اغلب بی معنی است و برای تأکید لفظ اول می‌آید، «مرکب اتباعی» یا اتباع می‌گویند. پیکان : در درس «رستم و اشکبوس» این کلمه به معنای فلز یا آهن نوک تیز و نیزه آمده است.

تاس : کاسه‌ی مسی که با خود به حمام می‌بردند.

تپق : گرفتگی زبان

ترفیع : بالا بردن.

ترگ : کلاه خود

تصنیف : نوعی شعر که با آهنگ موسیقی خوانده شود.

تعلل : بهانه کردن، بهانه آوردن، بهانه جویی.

تغییرات : جمع تغییر : دگرگون شدن، برآشفتن، خشمگین شدن.

تفتیش : بازرسی، بازجست، وپژوهیدن.

تفقّد: دل جویی

تقریر : بیان، بیان کردن.

تلطف : مهربانی کردن، نرمی کردن.

تموز : ماه اول تابستان، از ماه‌های رومی است.

تنبوشه : لوله‌ی سفالین یا سیمانی کوتاه که در زیر خاک یا میان دیوار گذارند تا آب از آن عبور کند.

تنبّه : بیداری، آگاهی، هوشیاری

توتیا : اکسید طبیعی و ناخالص روی که محلول آن گندزدایی قوی است. در قدیم این اکسید را در

جوش‌های بهاره و جوش‌های تراخمی به صورت گرد روی پلک‌ها می‌پاشیدند این ماده‌ی شفابخش

در تعبیر شاعرانه وسیله‌ای است برای روشنایی چشم. توتیا را با سرمه که گرد نرم شده‌ی سولفور

آهن یا نقره است و در قدیم برای سیاه کردن پلک‌ها و مژه‌ها به کار می‌رفته است، نباید اشتباه کرد.

تورّم علمی: افزایش مداوم و بی رویه‌ی سطح عمومی قیمت‌ها. تورّم غیر علمی آن است که تورّم مثلاً براساس شایعات یا امور مصنوعی به وجود آید.

جافی : جفا کننده، جفاکار

جانی : از سوی جان ؛ این کلمه قید است و «یای» آن یای قیدساز یا یای جانشین توین است. این کلمه به جای کلمه‌ی غلط «جانا» به کار رفته است.

جبهه: پیشانی

جرز : دیوار اتاق و ایوان

جزمیت : قطعیت و یقین

جُوال : ظرفی از پشم بافته که چیزها در آن کنند.

چُلْمَن: کسی که زود فریب بخورد؛ نالایق و بی‌دست و پا

چوبه: تیری که از جنس چوب خدنگ باشد.

حازم : دور اندیش، هوشیار

حجب : شرم و حیا

حرب : آلت حرب و نزاع مانند شمشیر، خنجر، نیزه

...

حَرز: دعایی که بر کاغذ نویسند و باخود دارند. بازوبند،

تعوید

خاییدن : جویدن، به دندان نرم کردن.

خدنگ : درختی است بسیار سخت که از چوب آن تیر و نیزه و زین اسب سازند.

خسته: مجروح، آزرده

خفایا : جمع خفیّه، به معنی پنهان‌ها، در خفایای خاطر : در جاهای پنهان ذهن

خلنگ : نام گیاهی است ؛ علف جارو

خیره خیر: بیهوده

در اویش : درویشان. امروزه جمع بستن کلمات فارسی در قالب‌های عربی جایز نیست.

درزی : خیّاط

دستوری : رخصت ، اجازه دادن.

دمدمه : در این جا به معنی نزدیک، حدود، حوالی. در اصل به معنی با خشم سخن گفتن و آواز دادن است.

دُوری : بشقاب بزرگ و مقعر

دی : روز گذشته، دیروز

دیلاق : آدم قد دراز

ذَرع : معادل ۱/۰۴ متر، گز

رفع کردن: شکایت کردن، دادخواهی کردن.

رقعه : قطعه‌ی کاغذی که روی آن می‌نویسند.

رمانتیک : داستانی، افسانه‌ای؛ اثری به سبک رمانتیسیم

زاغه : سوراخی است در کوه یا تپه یا بیابان که محل

استراحت چارپایان است، آغل

زجر : آزار، اذیت، شکنجه

زَلت : لغزش، خطا

ستوه : درمانده و ملول

سحاب : ابر

سعایت: سخن چینی

سفاهت : بی‌خردی، کم‌عقلی

سماط : سفره

سندروس : صمغی است زرد رنگ که روغن کمان از

آن می‌گرفته‌اند. در درس فقط زردی آن منظور

است.

سنگ سماق : سنگی سخت و متمایل به صورتی یا

سبز است و چون مقاومت و سختی زیادی دارد،

در ستون‌های سنگی ساختمان‌ها و برای ساختن

سنگ آسیاب از آن استفاده می‌شود.

سوفار : دهانه‌ی تیر، جایی از تیر که چله‌ی کمان را در

آن بند کنند.

سهم: ترس

شخیص : بزرگ و ارجمند

شکوم : شگون، میمنت، خجستگی، چیزی را به فال

نیک گرفتن.

شولا: خرقة، خرقة‌ی درویشان

صبا : باد خنک و لطیفی که از جانب شمال شرق

می‌وزد؛ صبا نماد پیام‌رسانی است.

صبح : در این جا یعنی آن‌چه باعث سرخوشی و نیروی

معنوی فرد شود.

صلا زدن : آواز دادن، صدا کردن.

صلوات : جمع صلوات، به معنی رحمت و بخشایش

حق تعالی، درودها

صورت شد: روشن شد.

صولت : هیبت

ضمیر : باطن

ضییاع: جمع ضیعت: زمین زراعتی، دارایی

طارمی : زرده‌ی چوبی یا آهنی که اطراف محوطه یا

باغی نصب کنند.

طالع : برآینده، طلوع‌کننده، فال، بخت، اقبال

طلسم: اصلاً یونانی است به معنی نقش‌ها و دعاهایی که

به وسیله‌ی آن کاری خارق‌عادت انجام دهند. طلسم

کسی را شکستن : مشکل کسی را که دیگران از

حل آن عاجزند برطرف کردن.

طومار: نامه، کتاب، دفتر، نوشته‌ی دراز، لوله‌ی کاغذ

عاریه: آن‌چه از کسی برای رفع حاجتی بگیرند و پس

از رفع نیاز آن را پس دهند.

عامل: حاکم، والی

عروج : به بلندی رفتن، بالا آمدن.

عقار: آب و زمین

عنود : ستیزه‌کار

غرّه : مغرور، گول خورده.

غضنفر: شیر

غَلّیان: جوشش، جوش و خروش

فتوح : گشایش حاصل شدن چیزی بیش از حد انتظار

فیاض: بسیار فیض دهنده، جوان مرد، بسیار بخشنده.
قاب: آسمانه و قوس بنا از طرف داخل که آن را از
چوب می سازند.

قاپوچی: دربان، لغتی ترکی است.

قدح: کاسه

قلیه: نوعی خوراک از گوشت که آن را در تاوه یا
دیگ بریان می کنند.

قهر: عذاب کردن، چیره شدن، خشم، غضب

کبریا: عظمت، بزرگی

کت: شانه، کتف

کُتَاب: جمع کاتب، نویسندگان؛ در این جا یعنی مکتب

کتل: تل بلند، پشته‌ی مرتفع

کشیک خانه: پاسدارخانه

کلّه: خیمه‌ای از پارچهٔ تنگ و لطیف که آن را هم چون

خانه می دوزند؛ پشه بند، حجله‌ی عروسی

کُمیّت: اسب سرخ مایل به سیاه

کوکب: ستاره

کومه: خانه‌ای از نی و علف که کشاورزان و باغبانان

در آن می نشینند؛ آلونک، کپر، کلبه

کبر: نوعی جامه‌ی جنگی، خفتان

گون: گیاهی است از تیره‌ی سبزی آسأها درختچه‌ای

حداکثر به ارتفاع یک متر و دارای خارهای بسیار

است و غالباً به حالت خودرو و در نواحی

کوهستانی و زمین‌های بایر می‌روید.

لا به: تضرع، التماس، اظهار نیاز

لطیفه: گفتار نغز، مطلب نیکو، نکته‌ی باریک

مألوف: الفت گرفته، انس گرفته.

ماسوا: مخفف ماسوی الله؛ آن‌چه غیر از خداست،

همه‌ی مخلوقات.

مافیها: آن‌چه در او (آن) است.

مایحتوی: آن‌چه درون چیزی است.

متراکم: برهم نشیننده، روی هم جمع شده، گرد آینده.

متفرّعات: توابع، وابسته‌ها

مجرّد: غیرمادّی، امری که روحانی محض باشد، آن‌چه

منزّه از ماده باشد مانند عقل و روح

مخذول: خوار، زبون گردیده.

محظوظ: بهره ور

مدلّت: خواری و بدبختی

مذموم: نکوهیده، زشت، مذمت شده.

مُسکر: چیزی که نوشیدن آن مستی می‌آورد؛ مثل

شراب

مسیل: جایی که سیلاب از آن بگذرد؛ محلّ عبور

سیل، جای سیل گیر

مشعوف: شادمان

مصادره: تاوان گرفتن، جریمه کردن، خون کسی را به

مال او فروختن.

مصاف: جمع مصف به معنی محل‌های صف بستن،

میدان‌های جنگ، به مصاف رفتن: رفتن به رزمگاه

و جنگ

مضرّت: زیان، زیان رسیدن، گزند رسیدن.

مضغ: آسیا کردن غذا در زیر دندان، جویدن.

مظالم: مخفف مجلس مظالم: مجلسی که در آن به

شکایت‌های مردم درباره‌ی ظلم‌هایی که بدانان شده

بود، رسیدگی می‌شد.

معاصی: گناهان، جمع معصیت

معهود: عهد شده، شناخته شده، معمول

مفتول: رشته‌ی دراز و باریک فلزی، سیم

مکاید: جمع مکیدت، مکرها، خدعه‌ها

ملتزمین: کسانی که در رکاب شاه یا بزرگی حرکت

می‌کنند؛ همراهان

مناعت: بلندنظر بودن، طبع عالی داشتن.

منحوس: شوم، نامیمون، بداختر

مُنْكَرٌ : زشت، ناپسند

مَوْحِشٌ : وحشت آور، ترسناک

مِهْيَبٌ : هیجان آور، برانگیزنده

مِيعَادٌ : جای وعده، وعده‌گاه، زمان وعده

مِینَا : آبگینه، شیشه

مِینُو : بهشت

نِیسَانٌ : از ماه‌های رومی است که بخشی از آن در

فروردین و بخشی در اردیبهشت واقع می‌شود.

وَجَنَاتٌ : جمع وجنه، رخسار

وَدُودٌ : بسیار مهربان، بسیار دوست دارنده، صفتی از

صفات خدای تعالی است.

وُعَاظٌ : جمع واعظ، پند دهنده، اندرزگوی.

وَلِیمَهٌ : طعامی که در مهمانی و عروسی می‌دهند.

هُرّاً : صدا و غوغا، آواز مهیب

هَلَهٌ : صوت تنبیه به معنی «آگاه باش».

هَلِیمٌ : غذایی لذیذ که از گندم پوست کنده و گوشت

می‌پزند. اصل این کلمه، هلام بوده و ممال شده است

و نوشتن آن به صورت «حلیم» نیز متداول است.

هُمَا : پرنده‌ای از راسته‌ی شکاریان، دارای جنّهای نسبتاً

درشت. در زبان پهلوی به معنی فرخنده است و به

همین دلیل، نماد سعادت واقع شده است.

هَیَاکُلٌ : اندام‌ها، صورت‌هایی که به اسم ستاره‌ای از

ستارگان می‌ساختند. (جمع هیکل)

هَیمَهٌ : هیزم

یوزبَانٌ : کسی که مأمور نگهداری و حفظ و تربیت

یوزهای شکاری است.

□ فهرست نام‌های کسان، جای‌ها و کتاب‌ها

ادیب پیشاوری (۱۳۴۹-۱۲۶۰ه.ق): سیداحمدبن شهاب الدین پیشاوری ادیب و شاعر مشهور عصر خود بود. وی دوران زندگی‌اش را در تحصیل علم و تزکیه‌ی نفس سپری کرد. دیوان اشعار وی به چاپ رسیده است.

اُدیسه: کتاب حماسی هومر، شاعر بزرگ قبل از میلاد یونان است. از این کتاب می‌توان مجموعه‌ی آداب و اخلاق یونانیان قدیم را دریافت.

اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابوسعید: کتابی است در احوال شیخ ابوسعید ابی‌الخیر که محمدبن منور (یکی از نوادگان وی) آن را نگاشته است.

اسکندر نامه: از مثنوی‌های نظامی گنجوی که شامل دو بخش شرفنامه و اقبال نامه است.

اسماعیل سامانی: اسماعیل بن نوح سامانی یکی از پادشاهان سامانی که در سال ۲۹۵ه.ق کشته شد.

اشتاین بک (جان): نویسنده‌ی آمریکایی قرن بیستم که در نوشته‌های خود، دقایق حالات زندگی محرومان و رنج‌دیدگان را شرح داده است؛ بی‌آن‌که گفتارش ملال‌آور باشد. از آثار او می‌توان مراتع بهشتی، خوشه‌های خشم، موش‌ها و آدم‌ها را نام برد.

آشکبوس: پهلوانی کشانی که به یاری افراسیاب آمد و سرانجام به دست رستم کشته شد.

آدم: نخستین پدر آدمیان که با همسرش «حوا» در بهشت زندگی می‌کردند و چون از میوه‌ای که خداوند خوردن آن را ممنوع کرده بود خوردند، از بهشت رانده شدند و به زمین آمدند.

آشور (آسور): سرزمینی قدیمی است که در بخش میانی رود دجله و کوهستان‌های مجاور آن قرار داشته است.

آفریقا = افریقا: یکی از قاره‌ها که از شمال به دریای مدیترانه و از مشرق به دریای هند محدود است.

آقا محمدخان قاجار: مؤسس سلسله‌ی قاجاریه که با انقراض دولت زندیه به قدرت رسید.

آل‌ارسلان: دومین پادشاه سلسله‌ی سلجوقی ایران که در قرن پنجم می‌زیست. وی قلمرو خود را تا حدود چین و روم گسترش داد و امپراتور روم را مغلوب و اسیر کرد.

آل احمد (جلال) (۱۳۴۸-۱۳۰۲): نویسنده‌ی مشهور ایرانی که از خانواده‌ای روحانی بود. آثار او شامل چهار دسته‌ی سفرنامه‌ها (مثل خسی در میقات)، داستان‌ها (مانند مدیر مدرسه)، مقالات (مانند غرب‌زدگی) و ترجمه‌ها (مثل قمارباز) است.

آمریکای لاتین: قسمت جنوبی قاره‌ی آمریکا شامل کشورهای کلمبیا، اکوادور، پرو، شیلی، آرژانتین، اروگوئه، پاراگوئه، برزیل، بولیوی، ونزوئلا و گویان.

افغانستان: از کشورهای آسیای مرکزی که با ایران، ازبکستان، ترکمنستان و پاکستان همسایه است. مرکز حکومت افغانستان «کابل» است.

اقبال لاهوری (محمد): شاعر و متفکر پاکستانی، آخرین شاعر بزرگ فارسی‌گوی شبه قاره‌ی هندوستان است. او از متفکران پیشرو و اصلاح‌طلب و از مؤسسان کشور پاکستان بود.

الکساندر دو ما (پدر): رمان‌نویس و نمایش‌نامه‌نویس مشهور فرانسوی قرن نوزدهم. حجم آثار او بالغ بر سیصد کتاب است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان سه تفنگدار و کنت مونت کریستو را نام برد.

امیر ارسلان: قهرمان یکی از مشهورترین داستان‌های عامیانه‌ی فارسی که بسیار مورد توجه مردم بوده است. این داستان اثر نقیب‌الممالک، نقال ناصرالدین شاه است.

امین سلطان (امین السلطان): میرزا علی‌اصغرخان اتابک اعظم از رجال دوره‌ی ناصرالدین شاه بود که در چهار سال آخر حکومت وی سمت صدارت داشت.

ایلیاد: یکی از آثار حماسی هومر شاعر بزرگ قبل از میلاد یونان است. این کتاب از شاهکارهای ادبیات جهان به شمار می‌رود.

بتھوون (لودویگ فان): آهنگساز معروف آلمانی قرن هجدهم و نوزدهم (۱۸۲۷ - ۱۷۷۰ م) است. آثار او و از جمله سمفونی‌هایش پر از احساسات عمیق و حاکی از قدرت تعبیر اوست. بتھوون در آخر عمر قدرت شنوایی خود را از دست داد.

بحرین: مجمع‌الجزایری بین شبه جزیره‌ی قطر و خاک عربستان. بندر بزرگ آن «منامه» است.

بخارا: شهری مشهور در ماوراءالنهر، پایتخت

سامانیان نیز بوده و امروز جزء جمهوری ازبکستان است.

بلخ: شهری بزرگ در خراسان قدیم و اکنون نام شهر کوچکی در شمال افغانستان است.

بیرس (تولد ۶۲۵): بیرس بن عبدالله در هجوم تاتار اسیر و به غلامی فروخته شد. امیر علاءالدین او را خرید و او در سایه‌ی همّت و زیرکی به مرتبه‌ی حکومت رسید و سپس در قاهره به تخت نشست.

بیرونی، ابوریحان: محمد بن احمد خوارزمی از علما و بزرگان ایران و جهان است. او همراه سلطان محمود به هند رفت و شرح تحقیقات این سفر را در کتاب «تحقیق ماللهند» تألیف کرد. آثار دیگر بیرونی «آثارالباقیه عن القرون الخالیه»، «التفهیم

لاوائل صناعة التنجیم» و «قانون مسعودی» است. بین‌النهرین: ناحیه‌ای در آسیای غربی در امتداد دو رود دجله و فرات. دولت‌های آشور و بابل در این منطقه به وجود آمده‌اند.

بیدل دهلوی: ابوالمعالی عبدالقادر بیدل شاعر پارسی‌گوی هندی است. او در نظم و نثر سبکی خاص داشت. شعر او از بهترین نمونه‌های سبک هندی به‌شمار می‌رود. در آثار بیدل افکار عرفانی با مضامین پیچیده و استعارات و کنایات درهم آمیخته است.

پاکستان: از کشورهای همسایه ایران. پرسپولیس: کلمه‌ای است یونانی به معنی شهر پارس، در این جا منظور یکی از کاخ‌های پادشاهان هخامنشی در مرو دشت فارس است. ساختمان این کاخ در زمان داریوش آغاز شد.

تاجیکستان: از جمهوری‌های تازه استقلال یافته‌ی شوروی سابق.

تاریخ فردریک کبیر: اثری از توماس کارلایل (۱۷۹۵-۱۸۸۱).

تاریخ و صَاف: کتابی است تاریخی تألیف «وصاف الحضرة» که به بخشی از تاریخ مغول پرداخته است. تثر این کتاب نمونه‌ی سبک مصنوع و متکلف است.

تحفة الإخوان: کتابی است از کمال الدین عبدالرزاق کاشانی نویسنده‌ی قرن دهم.

توران: سرزمین تور، یکی از سه پسر فریدون. سرزمینی در آن سوی جیحون تا دریاچه‌ی آرال. جنگ‌های ایران و توران بخش مهم داستان‌های ملی ما را تشکیل می‌دهد.

توس: پهلوان ایرانی، فرزند نودر.

تولم: یکی از دهستان‌های فومن.

تهران مخوف: رمانی از مرتضی مشفق کاظمی (۱۳۵۶-۱۲۸۷)، این کتاب نخستین رمان اجتماعی است که در آن وضع حقارت آمیز زنان ایرانی به تصویر کشیده می‌شود.

چاج: منطقه‌ای بزرگ و آبادان از ماوراءالنهر در کنار رود سیحون که اکنون تاشکند نامیده می‌شود و مرکز جمهوری ازبکستان است.

چین: کشوری وسیع و پرجمعیت در قاره‌ی آسیا. این نام از سلسله‌ی پادشاهان تسین گرفته شده است. حلب: شهری در شام (سوریه).

حوّا: نخستین زن، همسر آدم(ع).

خاش: ۱- از شهرهای استان سیستان و بلوچستان که در جنوب زاهدان واقع شده است. ۲- شهری در افغانستان.

خاقانی: افضل الدین بدیل خاقانی ملقب به حسان العجم شاعر مشهور قرن ششم. در

قصیده‌سرای صاحب سبک است. قوت اندیشه و مهارت او در ترکیب الفاظ و ابتکار مضامین کم نظیر است.

خامنه‌ای، جعفر: در سال ۱۲۶۶ شمسی در تبریز به دنیا آمد. وی از طریق زبان‌های فرانسه و ترکی با اشکال جدید شعر آشنایی یافت. اشعار او که متأثر از نوپردازان ترکیه بود، در جراید به چاپ می‌رسید.

خاوران نامه: منظومه‌ای است از ابن حسام خوسفی شاعر قرن هشتم و نهم که موضوع آن سفرها و حملات علی (ع) به سرزمین خاوران به همراهی مالک اشتر و جنگ با دیو و اژدها و امثال این وقایع خیالی است.

خشیارشا: پادشاه هخامنشی، پسر و جانشین داریوش بزرگ. مادر وی آتوسا دختر کوروش بوده است. خط سیرانی: خطی که برای نوشتن زبان سیرانی به کار می‌رفته و آن همان خط آرامی با اندکی تغییر بوده است.

خط کوفی: نوعی از خطوط اسلامی.

خلیلی، (عبّاس): در نجف متولد شد. رمان‌های «روزگار سیاه»، «انتقام» و «انسان و اسرار شب» را با تثری احساساتی و آکنده از لغات عربی درباره‌ی تیره‌روزی زنان نوشت.

خنج پال: خنج پال شهری در جنوب فارس میان شهر لار و بندر سیراف.

خوارزم: ناحیه‌ای از ایران قدیم که در دوره‌ی قاجار جزء روسیه‌ی تزاری شد. اکنون از شهرهای کشور ترکمنستان است.

خوشه‌های خشم: از رمان‌های مشهور قرن بیستم و برنده‌ی جایزه‌ی پولیتزر است. نویسنده‌ی این کتاب جان اشتاین بک است.

خیّام : حکیم ابوالفتح عمر خیّام، فیلسوف، ریاضی‌دان، منجم و شاعر ایرانی قرن پنجم و ششم است و اشعاری به فارسی و عربی و کتاب‌هایی در ریاضی دارد.

داریوش: پسر ویشتاسب، پادشاه هخامنشی متوفی به سال ۴۸۶ قبل از میلاد.

دانشور، سیمین (تولد ۱۳۰۰): نویسنده‌ی مشهور معاصر. از آثار او می‌توان به رمان‌های «سووشون» و «جزیره‌ی سرگردانی» اشاره کرد.

درویش خان (۱۳۰۵ — ۱۲۵۱ ش): غلامحسین فرزند حاج بشیر طالقانی، موسیقی‌دان معروف ایران. **دموستنس (۳۲۲ — ۳۸۴ ق.م)**: یکی از خطبای بزرگ آن.

دریای هند: اقیانوس هند، سومین اقیانوس بزرگ دولت آبادی، محمود (تولد ۱۳۱۹): داستان نویس معاصر؛ از آثار او می‌توان به کتاب‌های «کلیدر»، «جای خالی سلوچ» و «لایه‌های بیابانی» اشاره کرد.

دولت آبادی، یحیی (فوت ۱۳۱۸): حاج میرزا یحیی دولت آبادی یکی از پیش‌قدمان و مروّجان تعلیم و تربیت جدید است. وی چند دوره نماینده‌ی شورای ملی بود.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۴—۱۲۵۷): دانشمند، لغوی و نویسنده‌ی معروف قرن چهاردهم هجری قمری است. برخی آثار او عبارت است از: ترجمه‌ی عظمت و انحطاط رومیان، ترجمه‌ی روح‌القوانین، تصحیح دیوان منوچهری، تصحیح دیوان حافظ، امثال و حکم و لغت‌نامه.

دهک: قریه‌ای در نزدیکی زرنگ و بُست در سیستان **دهلوی، امیر خسرو**: بزرگ‌ترین شاعر پارسی‌گوی

هند است و در قرن هفتم می‌زیست. وی به تقلید نظامی پنج مثنوی سروده است. دهلوی هم‌چنین از سنایی، خاقانی و سعدی پیروی می‌کرد.

رفعت، تقی: از پیشگامان تحوّل در شعر فارسی است. در تبریز به دنیا آمد و در استانبول به تحصیل پرداخت و به زبان‌های ترکی، فرانسه و فارسی تسلط داشت.

رُم: مرکز امپراتوری روم قدیم و ایتالیای کنونی **رامایانا**: حماسه‌ی معروف هندوان، سروده‌ی والمیکی شاعر باستانی هند. این کتاب منظومه‌ای است طولانی به زبان سنسکریت درباره‌ی وقایع و جنگ‌های رام و همسر او سیتِه.

رخش: اسب مشهور رستم. **رستم (تهمتن)**: در لغت به معنی بزرگ تن و قوی اندام. جهان پهلوان ایران از مردم زابلستان که دارای قدرتی فوق‌العاده بود.

روزگار سیاه: رمانی از عباس خلیلی با تثری احساساتی و آکنده از لغات عربی درباره‌ی تیره‌روزی زنان. این کتاب الهام گرفته از «مادام کاملیا» اثر الکساندر دوما است.

رُهام: از پهلوانان ایرانی روزگار کاووس و فرزند گودرز، وی از دانایان روزگار خویش بود.

عبیدزاکانی، نظام‌الدین عبدالله: شاعر و نویسنده‌ی طنزپرداز قرن هشتم هجری. وی اصلاً از مردم قزوین بود. آثار معروف او عبارت‌اند از: رساله‌ی دلگشا، اخلاق‌الاشراف و موش و گربه.

زاینده رود: رودخانه‌ای است که از دامنه‌ی شرقی زردکوه بختیاری سرچشمه می‌گیرد و پس از گذشتن از اصفهان به باتلاق گاوخونی می‌ریزد.

زمخشری (فوت ۵۳۸): جارالله ابوالقاسم محمود زمخشری استاد تفسیر و حدیث و لغت و علوم

بلاغی. اثر معروف وی «الکشاف فی تفسیر القرآن» است.

ژیل بیلان: رمان فرانسوی از آلن رنه لوساژ (۱۷۴۷-۱۶۶۸) است و نخستین رمان فرانسوی به شمار می‌رود.

سرخه حصار: از بخش‌های اطراف تهران است. سنایی: ابوالمجد، محدود بن آدم، شاعر و عارف معروف ایرانی قرن ششم است. از آثار اوست: طریق التّحقیق، سیرالعباد الی المعاد و کارنامه‌ی بلخ. سو: قلعه‌ای در متصرفات غزنویان و آن قلعه‌ای مستحکم بود که مسعود سعد مدّتی در آن محبوس بود.

سوئد: کشوری در شمال اروپا در شبه جزیره‌ی اسکاندیناوی میان نروژ و دریای بالتیک. پایتخت آن استکهلم است.

سه تفنگدار: رمانی از الکساندر دوما (پدر) که درباره‌ی شرح قهرمانی‌ها و جوان‌مردی‌های سه تن از تفنگداران لویی سیزدهم است.

شهریار (۱۳۶۷-۱۲۸۵): سید محمد حسین بهجت متخلّص به شهریار غزل‌سرای بزرگ معاصر. شهنواز: یکی از آهنگ‌های موسیقی ایرانی، گوشه‌ای از دستگاه شور.

شهید بلخی: شهیدین حسین جهودانکی بلخی شاعر و متکلم و حکیم قرن چهارم هجری. شیلی: کشوری است در آمریکای جنوبی.

صابری، کیومرث: نویسنده و طنز پرداز معاصر که اولین هفته‌نامه‌ی طنز پس از پیروزی انقلاب اسلامی را با نام «گل آقا» منتشر کرد.

صاحبقرانیّه: کاخ تابستانی ناصرالدین شاه. صفّارزاده، طاهره (تولد ۱۳۱۵): شاعر نوپرداز معاصر، وی در سیرجان چشم به جهان گشود. از

آثار او می‌توان به رهگذر مهتاب، طنین در دلنا، دیدار صبح و بیعت با بیداری اشاره کرد.

صنعتی زاده (۱۳۵۲-۱۲۷۳): میرزا عبدالحسین صنعتی‌زاده از نخستین نویسندگان رمان‌های تاریخی در ایران بود.

طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۲۸-۱۲۵۰): حاج ملا عبدالرحیم بن ابوطالب نجّار تبریزی سرخابی، نویسنده‌ی ایرانی، از آثار او: کتاب احمد، مسالک‌المحسنین و ...

طرابلس: ناحیه‌ای است در شمال غربی لیبی در ساحل بحر الرّوم (مدیترانه).

عرفی شیرازی: شاعر معروف ایرانی در قرن دهم. عطّار نیشابوری: شاعر و عارف معروف ایرانی در قرن ششم و آغاز قرن هفتم. از آثار او می‌توان به تذکرة‌الاولیا، منطق الطّیر، الهی نامه، مختارنامه و مصیبت نامه اشاره کرد.

علوی، بزرگ (۱۳۷۶-۱۲۸۳ ش): داستان‌نویس معاصر، از آثار او می‌توان به چشم‌هایش، چمدان، سالاری‌ها و ورق‌پاره‌های زندان اشاره کرد.

عمرو بن عبدود: از سران قریش و از پهلوانان و دلاوران مخالف اسلام، حضرت علی (ع) در غزه‌ی خندق با او به رزم پرداخت و او را کشت. عمرولیث: دومین پادشاه صفّاری مقتول به سال ۲۸۹ هـ.ق.

عنتره: عنتره بن شدّاد از مشهورترین سوارکاران عرب در دوره‌ی جاهلیت و در بین عرب، مشهور به مناعت طبع و پاک سرشتی بود. دیوان شعری نیز دارد که حضرت رسول اکرم (ص) به اشعار او استشهاد می‌کرد و می‌فرمود: دلم می‌خواست زنده بود تا او را می‌دیدم.

فانون (فرانتس): نویسنده‌ی معاصر الجزایر از آثار او می‌توان به دوزخیان روی زمین، واپسین دم استعمار و انقلاب آفریقا اشاره کرد.

فتحعلی شاه: دومین پادشاه سلسله‌ی قاجار.

فراهی، ابونصر: صاحب کتاب نصاب الصبّیان، وی در لغت عرب و حدیث مهارت تام داشت.

فرّخی یزدی، محمد ابراهیم (فوت ۱۳۱۸ هـ. ش): از شعرا و آزادی‌خواهان مشهور دوره‌ی مشروطه، وی مردی منتقد و بی‌باک بود.

فروغی، محمد علی (۱۳۲۱ - ۱۲۵۷ ش): محمدعلی فروغی ملقب به ذکاءالملک یکی از چهره‌های بزرگ علم و ادب و حکمت معاصر است. از آثار او می‌توان به سیر حکمت در اروپا، آیین سخنوری، تصحیح کلیات سعدی، تصحیح دیوان حافظ و ... اشاره کرد.

فومن: شهری در ۲۷ کیلومتری جنوب غربی رشت. فیضی دکنی، ابوالفیض (۱۰۰۴ - ۹۵۴): ادیب و شاعر بزرگ هند، وی از بزرگان شعر سبک هندی است.

قائمی: حبیب شیرازی معروف به قائمی شاعر ایرانی قرن سیزدهم هجری.

قائم مقام: ابوالقاسم بن عیسی قائم مقام فراهانی، وزیر عباس میرزا و محمد شاه قاجار. وی در نظم و نثر فارسی استاد بود و ثنایی تخلص می‌کرد.

قارون: از افراد بنی اسرائیل، معاصر حضرت موسی(ع) و به قولی پسر عموی وی بود. او جاه‌طلب، بخیل، حسود و بسیار ثروتمند بود. موسی او را نفرین کرد و بر اثر این نفرین، زمین شکاف برداشت و قارون و خانه و گنجش را به کام خود فرو برد.

قَجَر: قاجار، طایفه‌ای ترکمان منسوب به قاجار نویان از سرداران مغول.

قَطیف: شهری در بحرین.

کاخک: از بخشهای گناباد.

کاظمی، محمد کاظم (تولد ۱۳۴۶): شاعر معاصر افغانی، مجموعه‌ی شعر او به نام «بیاده آمده بودم» منتشر شده است.

کاهک: از توابع داورزن سبزوار.

کسمایی، شمس (۱۳۴۰ - ۱۲۶۱): وی در یزد زاده شد و از پیشگامان تجدّد در شعر فارسی به‌شمار می‌رود.

کشانی = اشکیبوس: منسوب به کوشان، سرزمینی در مشرق ایران قدیم، شامل شرق ایران، مغرب هندوستان، افغانستان و ترکستان امروزی بوده است. کمبریج: یکی از شهرهای انگلستان که دانشگاه معروف و قدیمی کمبریج در آن است.

کنفانی(غسان): نویسنده‌ی معاصر عرب. کتاب دیگر او «ادب المقاومة فی فلسطین المحتلّة» است. کورش: مؤسس سلسله‌ی هخامنشی، مقتول به سال ۵۲۹ ق.م. او پسر کمبوجیه از خاندان هخامنشی بود.

کوفه: شهری در جنوب عراق، در نزدیکی نجف. کیش: از معروفترین جزایر خلیج فارس که بهترین مرواریدها در اطراف آن صید می‌شود.

گاو خونی: باتلاقی است در پست‌ترین ناحیه‌ی دشت اصفهان که رودخانه‌ی زاینده رود در آن می‌ریزد. گودرز: پهلوان ایرانی که بنا به روایت فردوسی در عهد کیان پس از خاندان سام نیرم خاندان او اهمیت داشته است.

لاهوته‌ی، ابوالقاسم (۱۳۳۶ - ۱۲۶۴ ش): در

کرمانشاه به دنیا آمد و در مسکو درگذشت، دیوان وی مجموعه‌ای از قطعه و غزل و مقداری تصنیف و ترانه است که مجموعاً با زبانی ساده و روان سروده شده است.

مأمون الرئیسید: هفتمین خلیفه از خلفای عباسی. وی ابتدا امام رضا (ع) را ولیعهد خویش کرد اما به سبب محبوبیت و نفوذ روزافزون آن حضرت در حکومت، آن امام را به شهادت رساند.

مانین، اثل: بانوی انگلیسی نویسنده اثر معروف «راه بئر سبع» درباره‌ی فاجعه‌ی فلسطین.

ماوراءالنهر: سرزمینی بوده است در شمال رود جیحون بین دو رود سیحون و جیحون شامل بخارا، سمرقند، خجند، اشروسنه و ترمذ.

مجمع دیوانگان: اثری از میرزا عبدالحسین صنعتی - زاده‌ی کرمانی (۱۳۵۲ - ۱۲۷۳) این اثر نخستین اتوپیا (= آرمانشهر) ی ادبیات معاصر است.

مراغه‌ای، زین‌العابدین (۱۲۹۰ - ۱۲۱۷): نویسنده‌ی کتاب سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیک، از پیشگامان ساده‌نویسی نثر معاصر.

مراکش: کشوری است در برجستگی شمال غربی آفریقا.

مرنج: نام یکی از زندان‌هایی که مسعود سعد شاعر قرن پنجم در آن محبوس بوده است.

مسالک المحسنین: اثری است از طالبوف نویسنده و دانشمند ایرانی (۱۳۲۹ - ۱۲۵۰ ه.ق).

مسجد شیخ لطف‌الله: این بنا در شرق میدان نقش جهان اصفهان و روبه‌روی بنای عالی‌قاپو واقع شده است و در سال ۱۰۱۱ ه.ق به امر شاه‌عباس اول بنا شده است.

مشفق کاظمی: مرتضی مشفق کاظمی (۱۳۵۶-۱۲۸۷)

نویسنده‌ی نخستین رمان اجتماعی درباره‌ی وضع حقارت‌آمیز زنان ایرانی به نام «تهران مخوف» که جلد دوم آن با نام «یادگار شب» منتشر شده است.

مصر: کشوری شامل زمین‌های حوضه‌ی سفلی نیل در شمال شرقی آفریقا و نیز شبه‌جزیره‌ی سینا در شمال دریای احمر.

معرّی (ابوالعلاء): احمدبن عبدالله (فوت ۴۴۹) شاعر و لغوی معروف عرب که به سبب آبله نابینا شد. از آثار او شرح اشعار متنبّی و شرح دیوان بحتری را می‌توان نام برد.

مقدونیه: ناحیه‌ای قدیمی در شمال کشور یونان که تحت اداره‌ی فیلیپ دوم و اسکندر سوم قرار داشت.

ملیجک: غلامعلی خان معروف به ملیجک و ملقب به عزیز السلطان و سردار محترم. برادر زاده‌ی امینه اقدس گروسی یکی از زنان ناصرالدین شاه.

ممفیس: شهری بوده است در مصر باستان.

موسوی گرمارودی، سیدعلی (تولد ۱۳۲۰): سیدعلی موسوی گرمارودی متولد گرمارود الموت است. وی از شعرای نوپرداز به شمار می‌رود. کتاب‌های «سرود رگبار»، «عبور» و «در سایه‌سار نخل ولایت» از آثار اوست.

موش‌ها و آدم‌ها: اثری است از جان اشتاین بک نویسنده‌ی آمریکایی (۱۹۶۸-۱۹۰۲ م).

مهابارات، مهاباراتا: حماسه‌ی بزرگ هندوان به زبان سانسکریت که شامل ۱۹ کتاب است و تألیف آن را به ویاسا فرزانه‌ی هند نسبت می‌دهند. اما این حماسه در یک زمان و توسط یک شاعر سروده نشده، بلکه قریب صد شاعر آن را طی چند قرن سروده‌اند.

ناپلئون سوم: شارلی لویی ناپلئون بناپارت (۱۸۷۳-۱۸۰۸ م.). امپراتور فرانسه پسر لویی بناپارت.

ناصرالدین شاه: پسر محمد شاه قاجار و چهارمین پادشاه سلسله‌ی قاجاریه، وی نزدیک به نیم قرن سلطنت کرد و سرانجام به دست میرزا رضا کرمانی ترور شد.

ناصر خسرو: حکیم ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی (۴۸۱-۳۹۴ ه.ق) ملقب به حجّت از حکما و متکلمین اسلام و شاعر نامدار ایرانی است.

ناصره: شهری در شمال فلسطین اشغالی، محلّ ولادت حضرت عیسی (ع)، این شهر از زیارتگاه‌های مسیحیان است.

نای: نام یکی از قلعه‌هایی که مسعود سعد شاعر قرن پنجم در آن محبوس بوده است.

نرون: امپراتور ستمگر روم که قدرت را از دست مادر خود درآورد و سپس مادر و همسر خود را کشت.

وی شهر رم را به آتش کشید و به آزار مسیحیان پرداخت.

نسیم شمال: روزنامه‌ای که سید اشرف‌الدین گیلانی در دوره‌ی مشروطه منتشر می‌کرد.

نیکسون: یکی از رؤسای جمهوری آمریکا، در دوره‌ی او جنگ ویتنام پس از سال‌های طولانی پایان یافت. هاروارد: یکی از بزرگ‌ترین دانشگاه‌های دنیا در آمریکا که به اسم بنیان‌گذار آن جان هاروارد (۱۶۳۸-۱۶۰۷) روحانی انگلیسی نام‌گذاری شده است.

هدایت، صادق (فوت ۱۳۳۰): داستان‌نویس معاصر، آثار معروف او عبارت‌اند از: بوف کور، سگ ولگرد، سه قطره خون، اصفهان نصف جهان، پروین دختر ساسان و ...

هومر: کهن‌ترین و نامدارترین حماسه‌سرای یونانی، وی در قرن هفتم قبل از میلاد می‌زیست. از آثار او می‌توان به ایلیاد و ادیسه اشاره کرد.

منابع اصلی و کمکی

- آزادی و تربیت، دکتر محمود صناعی، انتشارات سخن، ۱۳۳۹.
- آن روزها، دکتر طه حسین، ترجمه‌ی حسین خدیوچم، چاپ سوم، انتشارات سروش، ۱۳۶۳.
- آینه‌در آینه: برگزیده‌ی شعر ه. ا. سایه (هوشنگ ابتهاج)، به انتخاب دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، نشر چشمه، چاپ سوم، ۱۳۶۹.
- ادب مقاومت، غالی شکری، گردانیده‌ی محمدحسین روحانی، نشر نو، چاپ اول ۱۳۶۹.
- ادبیات داستانی، جمال میرصادقی، مؤسسه‌ی فرهنگی ماهور، چاپ دوم ۱۳۶۵.
- از کوچه‌ی رندان، دکتر عبدالحسین زرین کوب، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم ۱۳۵۶.
- از مصاحبت آفتاب، کامیار عابدی، انتشارات روایت، چاپ اول ۱۳۷۵.
- اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، محمد بن منور میهنی، به تصحیح دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات آگاه، چاپ سوم ۱۳۷۱.
- انواع ادبی، دکتر سیروس شمیسا، انتشارات فردوس، چاپ دوم ۱۳۷۳.
- انواع شعر فارسی، دکتر منصور رستگار فسایی، انتشارات نوید شیراز، چاپ اول ۱۳۷۲.
- برگ‌های زیتون، محمود درویش، ترجمه‌ی یوسف عزیزی، انتشارات رُز، چاپ اول ۱۳۵۶.
- بینوایان، ویکتور هوگو، ترجمه‌ی حسینقلی مستعان، انتشارات امیرکبیر، چاپ یازدهم ۱۳۵۷.
- پارسی‌گویان هند و سند، دکتر هرولم سدارنگانی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول ۱۳۳۵.
- پیاده آمده بودم...، محمد کاظم کاظمی، انتشارات حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۰.
- تاریخ ادبیات جهان، باکتر تراویک، ترجمه‌ی عربعلی رضایی، نشر فروزان، چاپ اول ۱۳۷۳.
- تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح‌الله صفا، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم ۱۳۶۳.
- تاریخ تحلیلی شعر نو، شمس لنگرودی، نشر مرکز، چاپ اول ۱۳۷۰.
- تازیانه‌های سلوک، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات آگاه، چاپ اول ۱۳۷۲.
- تحفة الاخوان، عبدالرزاق کاشی، به تصحیح دکتر محمد دامادی، انتشارات علمی فرهنگی.
- تذکره‌الاولیاء، فریدالدین محمد عطار، به تصحیح دکتر محمد استعلامی، انتشارات زوار، چاپ هفتم ۱۳۷۲.
- جنبه‌های رمان، فورستر ادوارد مورگان، ترجمه‌ی ابراهیم یونسی، ویرایش دوم، ۱۳۵۷.
- جوامع الحکایات، سدیدالدین محمد عوفی، به تصحیح دکتر مظاهر مصفا، مؤسسه‌ی مطالعات فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۰.
- جهان داستان، جمال میرصادقی، نشر نارون، چاپ اول ۱۳۷۲.
- چون سبوی تشنه، دکتر محمد جعفر یاحقی، انتشارات جامی، چاپ اول ۱۳۷۰.
- حافظ پژوهان و حافظ پژوهی، ابوالقاسم رادفر، نشر گستره، چاپ اول ۱۳۶۸.
- حافظ شیرین سخن، دکتر محمد معین، انتشارات صدای معاصر، چاپ سوم ۱۳۷۵.
- حافظ‌نامه، بهاء‌الدین خرمشاهی، انتشارات علمی و فرهنگی، انتشارات سروش، چاپ پنجم ۱۳۷۲.

- حماسه سرایی در ایران، دکتر ذبیح‌الله صفا، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم ۱۳۶۹.
- حماسه‌ی ملی ایران، تئودور نلدکه، ترجمه‌ی بزرگ علوی، نشر جامی، چاپ چهارم ۱۳۶۹.
- داستان و ادبیات، جمال میرصادقی، انتشارات نگاه، چاپ اول ۱۳۷۵.
- داستان و نقد داستان، احمد گلشیری، انتشارات نگاه، چاپ دوم ۱۳۷۱.
- درباره‌ی رمان و داستان کوتاه، سامرست موام، ترجمه‌ی کاوه دهگان، انتشارات سپهر، چاپ چهارم ۱۳۶۴.
- در کوچه باغ‌های نیشابور، دکتر شفیع کدکنی، انتشارات توس، چاپ اول ۱۳۵۰.
- دیوان اشعار مسعود سعد سلمان، به تصحیح رشید یاسمی، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم ۱۳۶۲.
- دیوان حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد حافظ، به اهتمام محمد قزوینی، قاسم غنی، انتشارات زوآر، چاپ اول ۱۳۶۹.
- دیوان سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی، به اهتمام مدرس رضوی، انتشارات کتابخانه‌ی سنایی، بی‌تا.
- دیوان شهریار، محمد حسین شهریار، انتشارات زرین، ۱۳۶۶.
- دیوان عبدالقادر بیدل دهلوی، به تصحیح حسین آهی، انتشارات فروغی، تهران ۱۳۶۶.
- دیوان مسعود سعد سلمان، به کوشش حسین لسان، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- رمان به روایت رمان نویسان، ویلیام آلت، دکتر علی محمد حق‌شناس، نشر مرکز، چاپ اول ۱۳۶۸.
- سبک‌شناسی شعر، سیروس شمیسا، انتشارات فردوس، چاپ اول ۱۳۷۴.
- سخن و سخنوران، بدیع‌الزمان فروزانفر، انتشارات خوارزمی، چاپ چهارم ۱۳۶۹.
- سفرنامه‌ی ابن بطوطه، ترجمه‌ی محمدعلی موحد، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
- سووشون، سیمین دانشور، انتشارات خوارزمی، چاپ پنجم ۱۳۵۲.
- شاعر آینه‌ها، دکتر محمدرضا شفیع کدکنی، انتشارات آگاه، چاپ اول ۱۳۶۶.
- شاهنامه، ابوالقاسم فردوسی، ی.ا. برتلس، چاپ دوم، مسکو ۱۹۶۶.
- شرح مثنوی، بدیع‌الزمان فروزانفر، انتشارات کتابفروشی زوآر، چاپ اول ۱۳۶۱.
- شرح مثنوی، کریم زمانی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۴.
- شرح مثنوی معنوی مولوی، رینولد البین نیکلسون، ترجمه و تعلیق حسن لاهوتی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، حسنعلی محمدی، ناشر مؤلف، چاپ اول ۱۳۷۲.
- صَفیر سیمرخ، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، انتشارات یزدان، چاپ چهارم ۱۳۷۵.
- صُور خیال در شعر فارسی، دکتر محمدرضا شفیع کدکنی، انتشارات آگاه، چاپ سوم ۱۳۶۶.
- طرحی از یک زندگی، دکتر پوران شریعت رضوی، انتشارات چاپخش ۱۳۷۴.
- عناصر داستان، جمال میرصادقی، انتشارات سخن، چاپ سوم ۱۳۷۶.
- فرهنگ فارسی معین، دکتر محمد معین، انتشارات امیرکبیر.
- فرهنگ کنایات، منصور ثروت، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۶۴.

- فرهنگ معاصر، رضا انزابی نژاد، منصور ثروت، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۶۶.
- فرهنگ نام‌های شاهنامه، دکتر منصور رستگار فسایی، مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول ۱۳۶۹.
- فیہ مافیہ، جلال الدین محمد مولوی، به تصحیح فروزانفر، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم ۱۳۶۹.
- قابوسنامه، عنصرالمعالی کیکاووس، به کوشش دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۲.
- کشف الاسرار، ابوالفضل رشیدالدین میبدی، به اهتمام علی اصغر حکمت، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم ۱۳۶۱.
- کلبه‌ی عمو تم، هریت بیچراستو، ترجمه‌ی منیر جزنی (مهران)، انتشارات امیرکبیر، چاپ سیزدهم ۱۳۵۷.
- کلیات سعدی، شیخ مصلح الدین سعدی، تصحیح محمد علی فروغی، انتشارات جاویدان، بی تا.
- کلیات شمس، جلال الدین محمد مولوی، انتشارات امیرکبیر.
- گزیده‌ای از شعر عربی معاصر، مصطفی بدوی، ترجمه‌ی غلامحسین یوسفی - یوسف بگار، انتشارات اسپرک، چاپ اول ۱۳۶۹.
- لغت‌نامه‌ی دهخدا، علی اکبر دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ جدید ۱۳۷۳، ۱۴ جلدی.
- مآنده‌های زمینی، آندره ژید، ترجمه‌ی پرویز داریوش - جلال آل احمد، انتشارات رز، چاپ سوم ۱۳۵۳.
- مکتب حافظ، دکتر منوچهر مرتضوی، انتشارات توس، چاپ دوم ۱۳۶۵.
- موسیقی شعر، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات آگاه، چاپ دوم ۱۳۶۸.
- نقد آثار بزرگ علوی، عبدالعلی دستغیب، انتشارات فرزانه، چاپ اول ۱۳۵۸.
- واژه نامک، عبدالحسین نوشین، انتشارات دنیا، چاپ سوم ۱۳۶۹.
- واژه‌نامه‌ی هنر شاعری، میمنت میرصادقی، انتشارات کتاب مهناز، چاپ اول ۱۳۷۳.

